

رسول خدا (ص):

علی مع القرآن و القرآن مع علی لن یفترقا حتی یردا
علی الحوض*

علی (ع) با قرآن است و قرآن با علی (ع). هیچ گاه از یکدیگر جدا
نشوند تا در کنار حوض کوثر نزد من آیند.

*. المستدرک علی الصحیحین ۱۲۴/۳.

مفاهیم و مرمت (با) نظری بر قانون عملیات بانکی بدون (با)

جهانگیر نامی*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پڙو، شڪاھ علوم انسانی و مطالعات فریبگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخچه ربا (قرض با منفعت)

از نظر تاریخی، عقد قرض به دور از انگیزه‌های سودجویی و بیشتر برای کمک به هم‌نوع (تعاون) به وجود آمده است. قبل از صنعتی شدن کشورها و در زمانی که نیاز به سرمایه‌های بزرگ همانند امروز احساس نمی‌شد، به طور معمول هدف وام دهنده این نبود که به وسیله قرض دادن، درآمدی به دست آورد. بلکه انگیزه قرض دهنده نوعی احسان و حل مشکل بود، به طوری که قرض گیرنده نیز احساس شرمساری نکند.

در جوامع غیر اسلامی بویژه جوامع مسیحی در ابتدا با رباخواری به شدت مخالفت می‌کردند که با انقلاب کبیر فرانسه، کلیسا نیز از تحریم آن چشم پوشید و رباخواری در دنیای غرب با برخورداری از وجهه قانونی گسترش یافت و مورد پذیرش عامه قرار گرفت. در حقوق اسلام که رباخواری به طور صریح در قرآن منع شده، لغو تحریم ربا غیر عملی به نظر می‌رسید، زیرا کسی حق نداشت که رباخواری را مجاز نماید، ولی تمایل به گشودن راه‌های غیر مستقیم برای گرفتن سود (حیل ربا) در تاریخ فقه اسلامی نیز به چشم می‌خورد.

تاریخچه ربا در قوانین ایران

نویسندگان قانون مدنی با این که گرفتن بهره را در هیچ ماده‌ای مجاز ننموده‌اند، از راه‌های غیر مستقیم (حیله قانونی) گرفتن ربح را در ماده ۶۵۳^۱ آورده‌اند. به موجب ماده

۱. باید توجه داشت که ماده ۶۵۳ در حال منسوخ است و ابتدا به موجب قانون مصوب ۱۳۶۱/۱۰/۸ و سپس به موجب قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۷۰/۸/۱۴ حذف شده است.

مذکور:

«مقترض (وام گیرنده) می‌تواند به وجه ملزومی به مقرض (وام دهنده) وکالت دهد در مدتی که قرض بر ذمه او باقی است، مقدار معینی از دارایی مدیون را در هر ماه یا در هر سال مجاناً به خود منتقل نماید.»

نویسندگان آن موقع قانون مدنی از لحاظ احترامی که به احکام مذهبی قایل بودند نمی‌خواستند در رابطه با ماده قانون مزبور، اخذ ربا را صراحتاً شرط بگذرانند. زیرا تنفیذ شرط مزبور نامشروع و باطل بوده است. بنابراین با عنوان وکالت ناچار شدند به حيله قانونی دست بزنند. همین طور در قوانین ثبت و آیین دادرسی مدنی این پرده پوشی صورت دیگری به خود گرفته بود و تعهد پرداخت سود، تحت عناوین وجه التزام و خسارت تأخیر تأدیه الزام‌آور شناخته شده بود.^۱

در این جا توجه خوانندگان محترم را به نظریات شورای نگهبان درباره خسارت تأخیر تأدیه موضوع موادی از قانون آیین دادرسی مدنی و قانون ثبت جلب می‌نماید:

۱- نظریه شماره ۹۴۹۹-۱۳۶۲/۸/۲۵ فقهای شورای نگهبان مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۱۳۱۶-۱۳۶۲/۱۰/۱۱ در مورد خسارت تأخیر تأدیه موضوع ماده ۷۱۲: دریافت خسارت تأخیر تأدیه موضوع مواد ۷۱۲ و ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی به نظر اکثریت فقها مغایر با موازین شرعی شناخته شد.

۲- نظریه شماره ۷۷۴۲-۱۳۶۱/۱۲/۱۱ مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۱۳۰۱-۱۳۶۲/۹/۲۲: عمل به ترتیبی که در چهارصد و هفتاد و نهمین جلسه شورای پول و اعتبار تصمیم گرفته شده و ضمیمه نامه فوق الذکر ارسال داشته‌اند با اصلاح عبارت «تسویه کامل بدهی» به عبارت «تسویه کامل اصل بدهی» اشکالی ندارد و مغایر با موازین شرعی نمی‌باشد.

۱. تبصره‌های ۴ و ۵ ماده ۳۴ و ماده ۳۴ مکرر قانون ثبت و مواد ۷۱۲ و ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی.

۳- نظریه شماره ۹۲۹۹-۱۳۶۲/۸/۲۵ فقهای شورای نگهبان مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۱۳۱۶-۱۳۶۲/۱۰/۱۱: دریافت خسارت تاخیر تأدیه موضوع مواد ۷۱۲ و ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی به نظر اکثریت فقها مغایر با موازین شرعی شناخته شده.

۴- نظریه شماره ۳۳۷۸-۱۳۶۷/۱۰/۱۴ مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۲۸۳۴-۱۳۶۷/۱۲/۲۵: با این که نیازی به اظهار نظر مجدد نیست و تمام مواد و تبصره‌های موجود در قوانین و آیین نامه‌ها و مقرراتی که اجازه اخذ مبلغی را به عنوان خسارت تاخیر تأدیه می‌دهد (که حقیقت آن اخذ مازاد بر بدهی بدهکار است) باطل است. مع ذلک به لحاظ این که بعضی از مقامات ثبتی هنوز هم تردید دارند فلذا نظر شورای نگهبان به شرح ذیل اعلام می‌شود: آن قسمت از مواد ۳۴ قانون ثبت و تبصره‌های ۴ و ۵ آن و مواد ۳۶ و ۳۷ آیین نامه اجرایی ثبت که اخذ مازاد بر بدهی بدهکار را به عنوان خسارت تاخیر تأدیه مجاز شده است، خلاف موازین شرع و باطل اعلام می‌شود.

لازم به تذکر است که در تاخیر اداء دین حال پس از مطالبه طلبکار برای شخص متمکن شرعاً جرم و قابل تعزیر است.

۵- نظریه شماره ۳۸۴۵-۱۳۶۴/۴/۱۲ مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۵۲۳۳-۱۳۷۶/۳/۳۱: مطالبه مازاد بر بدهی بدهکار به عنوان خسارت تاخیر تأدیه چنانچه حضرت امام مد ظله نیز صریحاً به این عبارت (آنچه به حساب دیرکرد تأدیه بدهی گرفته می‌شود، ربا و حرام است) اعلام نموده‌اند جایز نیست و احکام صادره بر این مبنی شرعی نمی‌باشد. بنابراین مواد ۷۱۹ تا ۷۲۳ قانون آیین دادرسی حقوقی و سایر موادی که به طور متفرق احتمالاً در قوانین در این رابطه موجود باشد، خلاف شرع انور است و قابل اجرا نمی‌باشد.

با تمامی این موارد، باید اصل چهل و نهم قانون اساسی نیز مورد توجه قرار گیرد که امکان تنفیذ ربا در قوانین موجود و آینده از بین رفته است.

تعریف و مفهوم ربا

ربا، در کتب فقهی به معنای «زیادتی، زیادتی و زیاده بر اصل» تعریف شده و همگی از نظر مفهوم دارای معنی مشترک‌اند.
ربا در اصطلاح فقهی بر دو نوع است:

الف: ربای قرضی

ربای قرضی به آن صورت است که کسی پولی را به قرض بدهد و با منفعتی بیشتر از آن چه به قرض داده، بعد از مدتی پس بگیرد. منفعت می‌تواند حتی نوعی خدمت باشد. به عنوان مثال، اگر شخصی مقداری پول به کسی قرض بدهد، به شرط آن که وی فرزند او را به مدرسه برساند، این خدمت در ازای قرض، نوعی ربا محسوب و حرام است.

به عقیده عده‌ای از علمای علوم دینی و دانشمندان اقتصادی، در ربای قرضی کسی که پولی را به قرض می‌دهد، چون آن پول در موقع پرداخت قرض دارای قدرت خرید معادل مقدار معینی انواع کالاها و خدمات می‌باشد، اگر در موقع استرداد پول آن قرض، قدرت خرید آن کاهش یابد، قرض گیرنده ضامن است و باید معادل کاهش ارزش قدرت خرید پول قرض، زیان قرض دهنده را جبران کند و نه تنها جبران کاهش ارزش پول در قرض را ربا نمی‌دانند بلکه آن را دین قطعی قرض گیرنده می‌دانند و مادامی که کاهش قدرت خرید پول به وسیله قرض گیرنده جبران نشده باشد، ذمه او را مشغول می‌دانند. مثلاً اگر کسی در اول سال ۱۳۷۵ مبلغ ۱۰۰ هزار ریال قرض به مدت یک سال به شخصی پرداخته باشد، در آخر همان سال با توجه به آن که نرخ تورم به وسیله بانک مرکزی ایران در پایان سال مزبور ۲۳/۲٪ اعلام شده، قرض گیرنده باید مبلغ یکصد و بیست و سه هزار و دویست ریال به قرض دهنده بپردازد تا بری الذمه شود و اگر کمتر بپردازد، ذمه او بری نخواهد شد و اگر بیش از آن بپردازد، زیاده، ربا و حرام است. این موضوع تحت عنوان ائتلاف مالیت هنوز مورد تایید تامه مراجع عظام قرار نگرفته و فعلاً نمی‌تواند به عنوان نظریه فقهی فقهای امامیه ملاک قرار گیرد.

ب: ربای معاملی (معامله‌ای)

چنانچه جنسی را به مثل خودش با زیاده خرید و فروش کنند، زیاده آن را «ربای معاملی» گویند. این نوع معامله نیز از دیدگاه فقهی حرام است و در این زمینه به ابواب ربا در کتب فقهی از جمله کتاب «ربا، بانک، بیمه» اثر استاد مطهری می‌توان مراجعه نمود.

تحریم ربا از بُعد فقهی:

قبل از ظهور اسلام و در دوره جاهلیت، معاملات ربوی در مکه و مدینه رونق فراوان داشت و این عمل مذموم، همانند بسیاری از عادات و رسوم زشت آن دوره، ریشه در فرهنگ مردم آن دیار داشت. اسلام در ابتدا ضمن نکوهش روش و اعمال یهودیان، رباخواری آنان را زشت می‌شمارد و با نزول آیات ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء، مسلمانان را به زشتی آن عمل آگاه می‌نماید و بعد از آن با نزول آیات ۱۳۰ و ۱۳۱ سوره آل عمران «سود مضاعف» به تعبیر خود قرآن یا «سود در سود» منع شده و در آیه شریفه ۳۹ از سوره روم بر بی برکت بودن و غیر قابل قبول بودن درآمد ناشی از ربا نزد پروردگار اشاره شده است. سرانجام قرآن در آیات ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره پس از تمثیل و وعید و تهدید، حکم قطعی تحریم اقسام ربا را صادر می‌فرماید. همین طور است که حضرت علی (ع) نیز فرموده‌اند: «رسول خدا (ص) ربا دهنده، ربا گیرنده، واسطه، کاتب و شاهد این عمل را لعنت کرده است.»

تحریم ربا از بُعد اقتصادی:

از آن جا که بهره بر روابط اقتصادی و اجتماعی انسانها آثار ناگواری بر جای می‌گذارد، و بر عدالت اجتماعی خدشه وارد می‌سازد، از لحاظ اسلامی، محکوم و غیر مجاز اعلام شده است که در این مورد باید به آیه شریفه «لیس للانسان الا ما سعی» توجه نمود. در اسلام، درآمدی که از کار مستقیم و یا ذخیره شده به دست نیامده باشد، نامشروع بوده و بهره نیز در زمره همین درآمدهاست. پس اگر نظر طرفداران سرمایه داری را بپذیریم، بهره، نتیجه عامل زمان است و نه کار. و به دلیل آن که زمان در تکوین چنین ارزشی تاثیر کرده و نه کار، اسلام اجازه نمی‌دهد که صاحب سرمایه تنها به وسیله

سرمایه‌اش چنین درآمدی داشته باشد. بنابراین صاحب سرمایه‌ای که برای یک کار تجاری و یا تولیدی به اعطای سرمایه اقدام می‌کند، می‌تواند طی قراردادی در آن کار مشارکت کند و قسمتی از سود حاصله را دریافت نماید. بدین ترتیب او شریک در سرمایه و کار محسوب می‌گردد و نه به عنوان بستانکار.

در اقتصاد اسلامی و به تبع آن در بانکداری اسلامی، هرگونه قرارداد (معامله) منطبق با موازین شرع مجاز است؛ بویژه آن که آن توافقیها بر اساس رضایت طرفین بوده و سهم هر طرف از سود حاصله و بدون آن که مبتنی بر رقم ثابت و از پیش تعیین شده‌ای باشد، مشخص می‌گردد.

راههای فرار از ربا (حیل ربا)

در طی تاریخ عده‌ای همواره برای تطبیق دادن قوانین گذشته با زندگی جدید دست به حیل‌های قانونی زده‌اند. نسبت به برخی از قوانین اسلام نیز حیل‌های شرعی به کار رفته که می‌توان آنها را به دو نوع تقسیم نمود:

الف - حیل شرعی برای زیر و رو کردن قانونی که برای امر معینی وضع شده و به کار بردن آن اختلالی در مصالح شرعی به وجود نیاورد. مانند کسی که به منظور فرار از روزه به مسافرت برود. این نوع حیل، منظور شارع را نقض ننموده، بلکه در واقع تبدیل از یک موضوع به موضوع دیگر است. این نوع حیل‌ها در قانون مدنی نیز وجود دارد و متوسلین به آن بر خلاف قانون عمل نمی‌نمایند.

ب - کلاه شرعی با تصرف در قانون ثابت شرعی به منظور برگرداندن آن به قانونی دیگر با عملی ظاهراً درست، ولی باطناً نادرست که مثال آن، حیل‌های تجار در تنظیم دفاتر برای فرار از مالیات است.

خسارت تأخیر تأدیه دین:

قبل از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، معاملات در بانکها با پرداخت وام و اعتبار به صورت پول و وصول آن نیز به همان صورت انجام می‌شده است و بانک بابت وام و اعتبار پرداختی بر نرخ معین که در قرارداد قید می‌شد، بهره پول را نیز محاسبه و

مطالبه می‌کرد.

مستندات مطالبات بانک در آن هنگام یا اسناد لازم الاجرا بود که خسارت تاخیر تأدیه مربوط به آن طبق ماده ۲ آیین نامه طرز اجراییه معاملات شرطی و رهنی مصوب ۱۳۵۲/۱۲ قابل مطالبه بود و یا این که اسناد طلب از اسناد تجاری و یا عادی بود که در آن صورت، بانک به استناد ماده ۷۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی در دعاوی خود علیه بدهکاران مبادرت به مطالبه و وصول خسارت تاخیر تأدیه می‌کرد. و ماده ۷۱۹ قانون مذکور علاوه بر تصریح به قانونی بودن خسارت تاخیر تأدیه، نرخ آن را نیز ۱۲ درصد تعیین می‌کرد. بنابراین، بانکها علاوه بر این که بهره معاملات خود را به نرخ مصوب و از پیش تعیین شده و طبق مندرجات قرارداد وصول می‌کردند، اجازه داشتند در قرارداد اعطای وام یا اعتبار افزودن بهره و کارمزد به مطالبات از جمع مطالبات را قید و در واقع بهره را به صورت مرکب محاسبه و اخذ نمایند.

شورای نگهبان پس از مکاتباتی که از اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ بین بانک مرکزی و دبیرخانه شورای مذکور صورت گرفت، در نهایت نظریه مورخ ۶۱/۲/۱۱ خود را به شرح ذیل در اختیار بانکها قرار داد تا بانکها بتوانند در قراردادهای خود با مشتریان نحوه وصول جریمه ناشی از تاخیر تأدیه مطالبات خود از مشتریان را قید و به وصول آن اقدام نمایند: «در صورت عدم تسویه کامل اصل بدهی ناشی از قرارداد تا سر رسید مقرر به علت تاخیر در تأدیه، به بدهی ناشی از این قرارداد از تاریخ سر رسید تا تاریخ تسویه کامل اصل، مبلغی به ذمه امضاکننده این قرارداد تعلق خواهد گرفت. از این رو وام یا اعتبار گیرنده با امضای این قرارداد باید علاوه بر بدهی تأدیه نشده، مبلغی معادل ۱۲٪ مانده بدهی برای هر سال نسبت به بدهی مذکور بر حسب قرارداد باید به بانک پرداخت نماید.» به همین منظور، وام یا اعتبار گیرنده، ضمن امضای این قرارداد، به طور غیر قابل برگشت به بانک اختیار داده که از تاریخ سر رسید تا تاریخ تسویه کامل اصل بدهی، معادل مبلغ مورد قرارداد از حسابهای وام یا اعتبار گیرنده، برداشت و یا به همان میزان از سایر داراییهای آن تملک نماید. اخذ مبلغ مقرر در این ماده مانع تعقیب عملیات اجرایی

برای وصول مطالبات بانک نخواهد شد.

کارمزد

گرفتن کارمزد در برابر کارهای بانکی از قبیل ثبت اوراق و دفاتر و حقوق کارمندان و غیره در صورتی که حيله‌ای برای رهایی از ربا و بهره پول نباشد، جایز است. بنابراین بانکها می‌توانند در قبال خدماتی که ارائه می‌دهند، کارمزد اخذ نمایند. مثلاً در صدور حواله‌ها صدور ضمانت نامه، گشایش اعتبارات اسنادی و... کارمزد یا حق العمل دریافت دارند. همچنین ماده ۱۷ آیین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲، هیأت وزیران مجوز اخذ کارمزد پرداخت قرض الحسنه را بر اساس دستورالعمل بانک مرکزی صادر نموده و شورای پول و اعتبار نیز تعرفه میزان آن را با شرط آن که میزان کارمزد از هزینه‌های تجهیز منابع اعطای قرض الحسنه و نیز هزینه‌های اعطا تجاوز ننماید، معین نموده است.

تخفیف سود تسهیلات اعطایی بانکها:

طبق مواد ۱۹ و ۲۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در جهت حسن اجرای نظام پولی و اعتباری کشور با استفاده از ابزارهای ذیل، طبق آیین نامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، مجاز گشته در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند و این دخالت در رابطه با سود و کارمزد معاملات و خدمات بانکها به صورت‌های ذیل در قانون تصریح گردیده:

۱- تعیین حداقل و یا حداکثر سهم سود بانکها در عملیات مشارکت و مضاربه.
۲- تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرحهای سرمایه گذاری و مشارکت.

۳- تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانکها در معاملات اقساطی و اجاره به شرط تملیک متناسب با قیمت تمام شده مورد معامله.

۴- تعیین انواع و میزان حداقل و حداکثر کارمزد و خدمات بانکی.

البته تعیین نسبت‌های فوق و حداقلها و حداکثرهای سود مذکور در بندهای مذکور در

هر یک از رشته‌های اقتصادی می‌تواند متفاوت باشد.

آن چه از ماهیت معاملات مبتنی بر قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین نامه‌ها و دستور العمل‌های اجرایی آن مستفاد می‌شود، آن است که آن معاملات از لحاظ زمان برآورد و تحقق سود به ۲ دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول؛ معاملات مشارکتها (مدنی - حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم) مضاربه و جعاله هستند که میزان سود بانک در پایان هر دوره مالی مشخص می‌گردد. در این دسته از معاملات، بانکها مکلف هستند قبل از انجام معامله، موضوع آن را با دقت بررسی نموده و در صورتی که نتیجه بررسیها مؤید آن باشد که انجام معامله منجر به اکتساب حداقل سود مورد انتظار که میزان آن را در هر بخش اقتصادی، شورای پول و اعتبار معین می‌کند، خواهد شد به انجام معامله مبادرت نمایند.

در این نوع معاملات و در شرایط اصولی و معیاری، معمولاً سود حاصل ممکن است کمتر یا بیشتر از سهم سود حاصل و مورد انتظار باشد. در این صورت اگر سهم سود حاصل برای بانک از میزان پیش بینی شده کمتر باشد، بانک مجاز نیست بیش از سهم سود حاصل شده متعلق به خود، اضافه‌ای مطالبه کند و اگر مبلغی بیش از آن چه مستحق است، مطالبه و وصول نماید، معامله از جنبه شرعی، خارج می‌شود. و زیاده، ربا و حرام است.

در این نوع معاملات، درصد و سود تصویبی شورای پول و اعتبار، جواز ورود به آن معامله است که به مقتضای سیاستهای پولی در مقاطع مختلف زمانی می‌تواند متفاوت باشد. اما اگر سهم سود بانک حاصل از آن معاملات بیش از میزان پیش بینی شده باشد، در این صورت بانک شرعاً مجاز است کلیه سهم سود متعلق به خود ولو بیش از نرخ سود تعیین شده به وسیله شورای پول و اعتبار را مطالبه و وصول نماید.

دسته دوم؛ معاملاتی هستند که میزان سود آنها در هنگام انعقاد قرارداد و انجام معامله قابل محاسبه است. معاملات فروش اقساطی (مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار، مسکن، وسایل تولید، ماشین آلات و تأسیسات) اجاره به شرط تملیک اموال منقول و غیر

منقول نیز از این دسته معاملات‌اند.

در این نوع معاملات، بانک اموال مورد درخواست مشتریان را می‌خرد. با توجه به عمر مفید آن اموال، متناسب با مدتی که متقاضی درخواست نماید، سود مورد انتظار خود را به قیمت خرید اضافه می‌نماید و قیمت جدید را مبنای معاملات بیع اقساطی یا اجاره آن اموال قرار می‌دهد. در این حالت، مبلغی که بانک به عنوان سود به قیمت خرید اضافه می‌کند، از همان تعرفه اعلام شده شورای پول و اعتبار تبعیت می‌نماید. نیز چنانچه خریدار اموال یا مستاجر، اقساط بدهی یا اجاره خود را قبل از سر رسید به بانک بپردازد، بانک می‌تواند به نسبت مدتی که زودتر از موعد، اقساط خود را وصول کرده تا معادل سود مستتر در اقساط زود دریافت شده و برای همان مدت وصول طلب قبل از سر رسید به بدهکار تخفیف بدهد. در واقع این تخفیف یک نوع جایزه (خوش حسابی بدهکار) است که قبل از موعد بدهی خود را واریز می‌نماید.